

قانون تجارت

اهلیت

مطلب دیگری را که باید متوجه شده از معنی آن
کاملاً مستحضر بود موضوع اهلیت است .
منظور از اهلیت به لسان جناب آقای منصور السلطنه
عدل توانائی قانونی است باین معنی که قانون برخی را
قادر و توانا بانجام امری نمیداند مثلاً طفل خورد سال
و شخص مجبور را بواسطه عدم رشد قوای فکری و یا
اختلال حالات دماغی قادر بقصد قرار دادی و یا شرکت
در معامله نمیداند بنابراین برای اینکه اشخاص بتوانند در
اموریکه قانون مجاز دانسته دخالت کنند و این دخالت
منتج به آثار حقوقی گردد باید دارای اهلیت باشند .
بطور کلی اشخاصی که اهلیت قانونی ندارند
عبارتند از :

۱ - اطفال خورد سال

۲ - اشخاص نا بالغ یعنی کسانی که سن قانونی
نرسیده اند که آنها را صغیر نیز گویند .

۳ - مجبورین یعنی اشخاصیکه بالغ هستند ولی
مبتلاً بجنون یا اختلال حالات دماغی میباشند .

۴ - در بعضی کشورها زن شوهردار را نیز در زمره
و ردیف این اشخاص شمرده اند لیکن در ایران چنین
قانونی نیست .

مطالبی را که لازم بود قبل از بحث در قانون تجارت
متذکر شویم تقریباً بتمام آنها بطور مختصر و اجمال اشاره
شده است و فعلاً برای ورود به بحث اصلی موضوع درس
ما از درب تاریخچه آن وارد میشویم

قانون تجارت ما عبارت است از مجموعه موادی که
در ۱۳ ر ۲۱۱۲ تدوین و جانشین قانون تجارت ۱۳۲۵

قمری گردیده است ، - قبل از تاریخ اخیر الذکر آنچه
که تاریخ حقوق نشان میدهد در ایران قانون خاصی برای
امور تجارته نبوده است و قوانین مدنی روابط افراد را
از هر حیث تنظیم مینموده ولی از زمان ناصر الدین شاه
تا زمان مشروطیت محکمه مستقلم بنام محکمه تجارت وجود
داشته که محاکمات تجاری به آنجا رجوع میشده محکمه
مزبور دارای یک نفر رئیس که از طرف وزیر عدلیه وقت
تعیین میشده و یکمده از تجار نیز بعنوان مشاور تجاری
عضویت محکمه را قبول میکردند و این محکمه قوانین
جاریه کشور را با مراعات عرف و عادت تجار در قضایا
و دعاوی مربوطه بموقع اجرا میگذاشتند بعد از استقرار
مشروطیت محکمه تجارت در جزء تشکیلات عدلیه تأسیس
و قوانین مصوبه ۱۳۲۵ قمری را اجرا میداشت ولی فعلاً
در تشکیلات عدلیه محکمه تجارته وجود ندارد و کابینه
دعاوی تجاری و غیره در محکمه بدایت بدوآ رسیدگی
میشود .

باب اول

تجار و معاملات تجارته

نظر باین که قانون تجارت موضوع بحث ما است
باید دقت شود که با مفهوم حقوق تجارت اشتباه نشود زیرا
حقوق تجارت عبارت از مجموعه قوانینی است که روابط
افراد را از لحاظ اشتغال آنها بشغل تجارت و یا دخالت آنها
بامور تجارته تنظیم مینماید و حال آن که قانون تجارت
عبارت از مجموعه موادی است که باین عنوان در ۱۳ ر ۲۱۱۲
برای راهنمایی تجارته ایران وضع و تدوین گردیده است
در اینجا برای سهولت امر بهتر آن است که قانون مزبور
را ماده بماده مطالعه نموده و موادی را که تصور می رود

شرطی که در این ماده قید شده بطور کلی بمنظور رعایت و حفظ حقوق ملاکین است که اغلب کارخانجاتی برای بدست آوردن محصولات فلاحتی خود در املاک خود ایجاد مینمایند مثلا کارخانه برای بدست آوردن محصول گندم و یاقوتیه و غیره در اغلب دهات ایران از طرف ملاکین نصب شده این قبیل کارخانجات برای رفع حوائج شخصی است و جنبه استفاده عمومی ندارد.

۵ - تصدی به عملیات حراجی .

۶ - تصدی بهر قسم نمایندگانه های عمومی .

طبق این ماده اگر شخص چند دستگاه شهر فرنگ خود را در محلی نصب نماید و مردم را برای تماشا بانجا دعوت کند تاجر محسوب خواهد شد .

۷ - هر قسم عملیات صرافی و بانگی

۸ - معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر باشد یا غیر تاجر تأثیر این ماده در دعوی ناشیه از معاملات برواتی است زیرا که طبق اصول و مقررات قانون تجارت در محکمه به آنها رسیدگی شده و رأی مقتضی صادر میشود .

۹ - عملیات بیمه بحری و غیر بحری

۱۰ - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و

کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها . معاملاتتی که فرقا بترتیب نمره به آنها اشاره شد بذاته معاملات تجارتي هستند ولی قانون پاره معاملات ر که بذاته معاملات تجارتي نیستند با اختیار اینکه طرفین و یا یکی از متعاملین تاجر است معاملات تجارتي تلقی نموده است .

بطوری که ماده ۳ میگوید :

ماده ۳ - معاملات ذیل باعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب میشوند .

۱ - کایه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانگها

۲ - کایه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج

تجارتي خود مینماید .

۳ - کایه معاملاتی که اجزاء یا خدومه یا شاگرد تاجر

احتیاج بتفسیر داشته باشد مورد نظر قرار دهیم .

ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد .

طبق این تعریف نمیتوان هر کس را که داد و ستد نماید تاجر تلقی نمود زیرا تاجر بودن چنین شخص منوط باین خواهد بود که آیا داد و ستد او در زمره معاملاتی است که قانون معاملات تجارتي شناخته و یا نه اگر جواب مثبت باشد باز باید دید آیا این قبیل داد و ستدها جزء شغل معمولی او هست و یا آنکه امر اتفاقی میباشد اگر جواب اینهم مثبت در آمد آنوقت میتوانیم بگوئیم که این شخص حائز شرایطی است که قانون تجارت وضع نموده و بنابراین این تاجر است .

ماده اول شرایط تاجر بودن را اشتغال بمعاملات تجارتي دانسته است پس معاملات تجارتي کدام است این معما را ماده دوم قانون مزبور حل نموده به این نحو که مینویسد :

ماده ۲ - معاملات تجارتي از قرار ذیل است :

۱ - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول بقصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد . در اینجائی بینیم که موضوع معاملات تجارتي باید مال منقول باشد و معاملات غیر منقول از ردیف معاملات تجارتي خارج است و این نکته در ماده ۴ قانون مزبور بطور وضوح تصریح شده است .

۲ - تصدی بحمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا بهر نحو که باشد .

۳ - هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمیون) و یا عاملی و همچنین تصدی بهر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد میشود از قبیل تشکیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدومه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره .

۴ - تأسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد .

برای امور تجارتي ارباب خود مينمايد .

در اينجا دو موضوع را بايد گاملا دقت نمود
اولا سمت اشخاصي که براي تاجر معاملات تجارتي را انجام
ميدهند يعني براي اينکه معامله انجام شده تجارتي باشد
شخص انجام دهنده بايد يا اجزاء يا خدومه و يا شاگرد
تاجر باشد که در واقع و کاتباً از طرف تاجر معامله مينمايد
و هر آينه شخصي که تحت هيچيك از عناويني که ذکر
شد سمتي يا تاجر نداشته باشد مثلاً رفيق تاجر اسالتاً
براي امور تجارتي او معامله مينمايد آن معامله تجارتي
نخواهد بود ثانياً ممکن است سمت شخص نسبت بتاجر
تحت يکي از عناوين فوق الذکر محرز باشد ولي معامله
را براي امور غير تجارتي ارباب خود انجام دهد در اين
صورت معامله فاقد شرط است و تجارتي نخواهد بود مثل
اينکه شاگرد تاجري براي مصرف خانه ارباب خود چندين
کيسه برنج ايتباع نمايد .

۴ - کليه معاملات شرکتهای تجارتي - در اينجا بايد
متذکر بود که طبق ماده ۴ قانون تجارت معاملات غير منقول
شرکتهای تجارتي معاملات تجارتي محسوب نخواهد شد .
ماده ۴ - معاملات غير منقول به هيچوجه تجارتي
محسوب نميشود .

اموال غير منقول در تمام دنيا داراي اهميت زيادي
ميباشد و براي حفظ و نگاهداري آن قوانين خاصي وضع
شده و امور مربوطه بان از حيطه ساير قوانين خارج است
و نظر بتشريفات قانوني نقل و انتقال آن به آساني اموال
منقول تملکي نيست در اينجا هم قانون تجارت براي اينکه
مبادا بطور غير مستقيم راه استفاده براي دخالت در معاملات
غير منقول ايجاد شده باشد که بوسيله آن اموال غير منقول
مورد دستخوش اشخاص گردد از روي حزم و احتياط
بوسيله اين ماده معاملات غير منقول را از حيطه خود خارج
نموده است و البته با بودن اين ماده هيچگاه نمیتوان تصور
نمود که معامله غير منقول گرچه از طرف شرکت تجارتي
با ما بين در نظر تاجر حتی براي حوائج تجارتي واقع شده

باشد تجارتي محسوب گردد .

نظر باينکه در ماده لفظ « بهيچوجه » استعمال شده
بنده گمان ميکنم قبول نظريه آقاي امير ارسلان خلعت پري
براي اينکه اگر معامله غير منقول براي حوائج شرکت باشد
مثلاً زميني براي ساختمان بناي کارخانه و انبار شرکت
و غيره خريده شود اين چنين معامله تجارتي بايد محسوب
گردد زيرا براي رفع حوائج شرکت است و از خود
زمين نفع و انتفاعي نيست . با وجود استدلال قوي ايشان
خالي از اشکال نباشد .

ماده ۵ - کليه معاملات تجار تجارتي محسوب است
مگر اينکه ثابت شود معامله مربوط بامور تجارتي نيست
در واقع اين فرض ثانوي است که از مفاد آن چنين استنباط
ميشود که مقنن نظر ارفاقي بعامه داشته يعني براي اينکه
معاملات بسهولت و آساني قابل تشخيص باشند اين فرض
را يک وسيله قرار داده است .

باب دوم

دفاتر تجارتي و دفاتر ثبت تجارتي

فصل اول

دفاتر تجارتي

البته اگر شخصي بتجارت مبادرت نمايد براي اينکه
خرج و دخلي که در عرض سال مينمايد لااقل بر خودش
روشن باشد بايد بيک طريقي صورتي از مخارج و در آمد
ساليانه خود تهيه نمايد .

کسيه و تاجر از ازمنه قديمه هميشه اوراق داشتهاند
که مخارج بوميها را در آنها وارد و در آخر سال از روي آن
اوراق صورت سود و زيان خود را تعيين مينمودند و اگر
بتاريخ مراجعه کنيم مي بينيم که روميها و قديمها اين صورت
حسابهای تجار را براي اثبات تعهدات تجارتي آنها سند و
مدرك قرار ميدادند اين صورت حسابها امروزه نظر با اهميت
خاصي که از هر حيث بخود گرفته تحت نظام در آمده و در
دفاتر معين وارد ميشود و داشتن اينگونه دفاتر منظم براي
طبقه از مردم الزامي است منتها در برخي موارد قانون

او از دوازده هزار ریال در سال تجاوز نماید و الا در صورت کسبه جزء محسوب و ملزم به نگاهداری دفاتر تجارته نخواهد بود.

ماده ۶- هر تاجری با استثناء کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفتر دیگری را که وزارت عدلیه بموجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد:

۱- دفتر روزنامه.

۲- دفتر کل.

۳- دفتر دارائی.

۴- دفتر کبیله.

باید دید هر یک از این دفاتر دارای چه خاصیت است؟ و چه ارقامی در هر کدام از این دفاتر باید وارد شود؟

دفتر روز نامه بطوریکه اسم آن گویا است برای ثبت کلیه معاملات روزانه تاجر است «لوجه اعمال تاجر» بنا بر این از جزئی و کلی نقد و نسبه و فروش وارده و برداشتی صندوق حتی برای مخارج یومیه اهل بیت تاجر باید در دفتر روزنامه ثبت برسد پس خاصیت دفتر روز بور این است که با مراجعه بان میتوان از چگونگی عملیات یک تاجری معرفت کامل حاصل نمود این موضوع را ماده ۷ باین وصف نوشته است:

داشتن دفاتر را امر واجبی قرار نداده است مثل اینکه قانون تجارت ما فقط تاجر را ملزم به نگاهداری دفتر نموده و کسبه جزء را معاف داشته است و طبق ماده ۱۹ قانون تجارت وزارت عدلیه در ۱۵ خرداد ۱۱ تحت ماده واحده کسبه جزء را تعیین مینماید باین طریق که مینویسد:

ماده واحده - کسانیکه مطابق عرف تجارت اطلاق تاجر به آنها نمیشود - در صورتیکه داخل یکی از طبقات ذیل باشند کسبه جزء محسوب و از داشتن دفتر تجارته معاف خواهند بود.

۱- کسانیکه فروش سالیانه آنها از صد و بیست هزار ریال تجاوز نمیکند.

۲- شوهر - گاربیچی - و بطور کلی مکاری از هر قبیل.

۳- متصدیان حمل و نقل در صورتیکه عایدی غیر خالص آنها در سال متجاوز از ۱۲ هزار ریال نباشد و داخل در طبقه مذکور در بند ۲ هم نباشند.

از بند سوم این ماده واحده چنین استنباط میشود که اگر شغل معمولی شخص تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا باشد بصرف استناد به بند ۲ از ماده ۲ قانون تجارت نمیتوان او را برای استفاده از ماده ۶ قانون مزبور تاجر فرض نمود مگر اینکه عایدی غیر خالص